

پیامدهای امنیتی تحولات ژئوپولیتیکی کشور سوریه بر قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

علی رحیمی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

عزت اله عزتی^۱

دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مسعود مهدوی حاجیلوئی

استاد گروه جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۲

چکیده

تحول در فضای ژئوپولیتیک محیط امنیتی آسیای جنوب غربی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به در پیش گرفتن رویکردهای متفاوت، نسبت به بحران‌های حادث شده در این منطقه، وادار نموده است. تحولات سوریه از زمان آغاز تاکنون، یکی از مهمترین رویدادهایی است که علاوه بر مسائل منطقه‌ای، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داده است. به طوری که وضعیت سوریه برای جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازی با حاصل جمع جبری صفر درآمده و هرگونه تحول ژئوپولیتیکی در ساختار سیاسی این کشور، قدرت منطقه‌ای ایران را بشدت تحت تأثیر قرار داده است. لذا از آنجا که کشور سوریه سالهای متمادی، نقش دروازه ورود ایران به جهان عرب، محور مقاومت و اتصال استراتژیک ایران به مدیترانه و خاور نزدیک را داشته است. این امر موجب شده تا تضعیف سوریه و سرنگونی بشار اسد، علاوه بر تضعیف محور مقاومت، کاهش نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران را در پی داشته باشد. پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و می‌کوشد تأثیرات متغیر مستقل یعنی تحولات ژئوپولیتیکی سوریه را بر امنیت منطقه‌ای ایران به منزله متغیر وابسته به بحث و بررسی گذارد. هدف اصلی نوشتار تجزیه و تحلیل قدرت منطقه‌ای ایران در پرتو تحولات سوریه می‌باشد. نتایج پژوهش نشانگر آن است که هر یک از سناریوهای پسا بحران مرتبط با تحولات ژئوپولیتیکی کشور سوریه، تأثیرات اساسی بر امنیت ملی و قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در بر خواهد داشت.

واژگان کلیدی: سوریه، ایران، پیامدهای ژئوپولیتیکی، تحولات ژئوپولیتیکی، امنیت منطقه‌ای.

مقدمه

از جمله مناطق حیاتی و مؤثر در معادلات ژئوپولیتیک جهانی، منطقه خاورمیانه^۱ است. خاورمیانه را مرکز دنیای قدیم می‌دانند، مرکزی که در دل آن منطقه خلیج فارس، به منزله «هارتلند»^۲ جهانی قرار دارد. تحولات خاورمیانه و خیزش جریان اسلام‌گرایی در منطقه، یک چالش معنایی را موجب شده که اگر آن را با آسیب‌دیدگی نظم سیاسی منطقه‌ای و جهانی و قدرت‌های بزرگ نوظهور در کنار هم قرار دهیم، ابعاد بیشتری از تحولات آشکار می‌شود. مهم‌ترین و عمیق‌ترین بحران‌های سیاسی جهان معاصر در این منطقه رقم می‌خورد و چالش‌های مهم ژئوپولیتیک از عوامل شکل‌دهنده، تشدیدکننده و تداوم‌گر بحران در این حوزه جغرافیایی است.

چشم‌انداز موجود از خیزش‌های مردمی، بیانگر آغاز تحولات و لرزش‌های ژئوپولیتیک گسترده در فضای خاورمیانه و شمال آفریقا است و جغرافیای سیاسی منطقه را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. به همین دلیل در طی تاریخ، این منطقه با جنگ‌ها و ناآرامی‌های عدیده‌ای مواجه بوده که با منافع کشورهای مختلف جهان گره خورده است. تحولات سوریه و بحران این کشور را نیز در این راستا می‌توان تحلیل کرد.

سوریه از مهم‌ترین کشورهای منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود. موقعیت ژئوپولیتیک، تعلق آن به دنیای عرب، قدمت تاریخی، ساخت سیاسی و اجتماعی، قرار داشتن در محور مقاومت، همسایگی با اسرائیل و ضدیت با آن و عوامل عدیده دیگر از جمله مولفه‌هایی است که دلالت بر اهمیت این کشور دارند. این کشور در منطقه خاورمیانه از لحاظ ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک^۳ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و محل تلاقی سه قاره و همچنین منطقه‌ای است که سه دین بزرگ (اسلام، مسیحیت و یهود) در آن تلاقی داشته است. تا پیش از وقوع بحران در سوریه، این کشور از باثبات‌ترین کشورهای عربی و منطقه خاورمیانه محسوب می‌شد و تحت حکومت خاندان اسد و در سایه استیلای ایدئولوژی حزب بعث، سوریه به نسبت دیگر کشورهای عربی از ثبات سیاسی و امنیتی بیشتری برخوردار بود. پیوند حزب بعث و ارتش سوریه باعث شد خانواده اسد بتوانند بر بحران‌های داخلی چیره و یک ثبات داخلی را به وجود آورند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، روابط نزدیکی بین دو کشور شکل گرفت. همپوشانی منافع و دیدگاه مشترک مسئولان دو کشور نسبت به مسائل منطقه‌ای و معضلات کشورهای اسلامی، از جمله دلایل نزدیکی دو کشور بود.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به روابط راهبردی خود با حکومت سوریه، از ابتدا موضع ثابتی را در قبال این بحران اتخاذ کرد. دولت مردان جمهوری اسلامی ایران بر این باور بودند که تحولات سوریه یک مسئله داخلی است که در چارچوب گفتگوی مخالفان و حکومت قابل حل است و دخالت کشورهای دیگر تنها به پیچیده‌تر شدن و افزایش دامنه خشونت‌ها کمک می‌کند بلکه با طولانی شدن بحران در سوریه و دخالت‌های قدرت‌های منطقه و کشورهای همسایه، دو طیف از قدرت‌های منطقه و فرامنطقه در مقابل هم قرار گرفتند. بحران سوریه و چشم‌انداز آینده آن از جنبه‌های مختلف بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد، از این رو ضرورت دارد سیاست

^۱ Middle East Region

^۲ Hartland

^۳ Geostrategic

جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه و پیامدهایی که این بحران می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران داشته است به دقت مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و در این راستا در مقاله حاضر می‌کوشیم به این دغدغه‌ها بپردازیم. نوشتار حاضر با بررسی بحران سوریه از اوایل سال ۲۰۱۱ تا پایان سال ۲۰۱۷ و با در نظر گرفتن اهمیت سوریه در محور مقاومت و نقش ژئوپولیتیک آن کشور در منطقه و همچنین دخالت و تأثیرگذاری بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای رقیب ایران در تحولات داخلی این کشور، تلاش نموده به این سؤال پاسخ دهد که تحولات ژئوپولیتیکی سوریه چه تأثیری بر امنیت ملی منطقه‌ای جمهوری اسلامی خواهد داشت؟ برای پاسخگویی به سوال پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، از روش توصیفی - تحلیلی بهره‌گیری شده است. توصیفی از آن جهت که وضعیت موجود در ارتباط با هریک از تهدیدات مورد مطالعه، توصیف شده و تحلیلی از آن جهت که وضعیت موجود هر یک از تهدیدات فوق مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. جمع آوری منابع مورد استفاده به روش کتابخانه‌ای و اینترنت بوده و همچنین از کتب، مقالات فارسی و لاتین، پایانامه‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع و طرح‌های پژوهشی با محوریت مقاله از مهمترین منابعی بوده‌اند که مورد استفاده قرار گرفته است.

یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که مسئولان تصمیم‌گیر دستگاه سیاست خارجی ایران نه تنها می‌توانند با بکارگیری تمام ظرفیت‌های منطقه‌ای و یک دیپلماسی فعال منطقه‌ای در عرصه‌ی داخلی و بیرونی تحولات سوریه نقش مؤثری در مدیریت و کنترل اوضاع ایفا نمایند، بلکه با اتخاذ یک راهکار منطقه‌ای مناسب و با مشارکت دادن دیگر بازیگران دارای نفوذ منطقه، می‌توانند این تهدیدات را به فرصتهای استثنایی در راستای ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی کشور ایران تبدیل نمایند.

بنابراین هرگونه تحول ژئوپولیتیکی در سوریه شکل مستقیم و غیرمستقیم دارای پیامدهای امنیتی بر منافع ملی و قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را دارا می‌باشد؛ چرا که سوریه پل ارتباطی ایران با جبهه مقاومت است و تضعیف سوریه می‌تواند موجب کاهش قدرت مانور جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه و تضعیف جایگاه منطقه‌ای را برای این کشور فراهم نماید.

مبانی نظری

مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای

فروپاشی جهان دو قطبی و حاکم شدن شرایط جدید امنیتی بر سامانه بین‌المللی، بوزان^۱ را بر آن داشت تا با بازنگری در دیدگاه پیشین خود، در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» در سال ۱۹۹۱ نظریه «مجموعه امنیت منطقه‌ای» را مطرح نماید که قادر باشد تبیین بهتری از تحولات پیچیده جهان پس از جنگ سرد ارائه دهد (Vaezi, 2011: 4 and Davandish). بوزان مجموعه امنیتی منطقه‌ای را این گونه تعریف می‌کند: مجموعه‌ای از واحدها که فرایندهای اصلی امنیت، عدم امنیت و یا هر دو آنها به گون‌های با یکدیگر مرتبط است که مسائل امنیتی آنها به صورت منطقی نمی‌تواند جدا از یکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد یا اینکه حل و فصل شود (Boozan and Wyvar, 2009: 55 بوزان برای تعریف و مشخص نمودن مجموعه امنیتی منطقه‌ای، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های ذیل را برمی‌شمرد:

^۱ Boozan

مجاورت: در این رابطه بوزان اشاره دارد که از لحاظ امنیتی، منطقه به معنای شبه سیستم مشخص و مشهوری از روابط امنیتی بین مجموعه‌ای از دولتهاست که از لحاظ جغرافیایی نزدیک یکدیگر باشند. (Boozan, 2002: 213).
 الگوهای دوستی و دشمنی: منظور از دوستی بیان این مطلب است که در روابط میان دولت‌ها طیف وسیعی از دوستی واقعیت انتظار حمایت و حفاظت را شامل میشود و منظور او از دشمنی اشاره به روابطی میان واحدهاست که در آن سوءظن و ترس حاکم باشد (Boozan, 2010:215).

وابستگی متقابل امنیتی: منظور از وابستگی متقابل امنیتی نیز تاثیر و تاثر اعضای تشکیل دهنده مجموعه است، به طوری که هرگونه تغییر و تحول در موقعیت یک بازیگر در مجموعه باعث ایجاد تغییر و تحول در موقعیت سایر اعضای مجموعه شود (Abdullah Khani, 2004: 279).

وجود حداقل دو بازیگر مؤثر: این ملاک ما را به این اصل نیز رهنمود می‌سازد که مجموعه امنیتی منطقه‌ای نمی‌تواند توسط تعدادی کشور ضعیف از یک منطقه شکل بگیرد؛ اما شکل‌گیری آن با حضور دو قدرت منطقه‌ای مؤثر و چندین کشور ضعیف امکانپذیر است (Courthouse and Courthouse, 2011: 81).

- مجموعه امنیتی آسیای جنوب غربی^۱

مجموعه امنیتی منطقه‌ای آسیای جنوب غربی با نوعی وابستگی متقابل امنیتی تعریف و مشخص میشود که میان کشورهای منطقه از مغرب (مراکش) تا ایران وجود داشته و گسترش یافته و شامل دولت‌های عرب بعلاوه ایران و رژیم اشغالگر قدس می‌شود. این مجموعه، از سه زیرمجموعه امنیتی تشکیل شده است. زیرمجموعه شامات (مصر، رژیم اشغالگر قدس، اردن، لبنان، سوریه)، خلیج فارس (ایران، عراق و شورای همکاری خلیج فارس) و مغرب (مراکش). در این زیرمجموعه‌ها همپوشانی و تعامل به حدی است که نمی‌توان آنها را از هم جدا کرد (برای نمونه تمام کشورهای خلیج فارس با رژیم اشغالگر قدس خصومت دارند (Salehi, 2013: 78)).

بوزان با توسل به تاریخ نیم قرن اخیر، معتقد است که آسیای جنوب غربی منطقه کشمکش ساز و محل دائمی نزاع بین قدرت‌ها و گروه‌های متخاصم است و همین کشمکش به قدرت‌های دیگر نیز اجازه میدهد تا آنان نیز میدان منازعه خود را به این منطقه انتقال دهند. به طور کلی، دلایل ذاتی از عوامل مذهبی، اختلاف‌های ایدئولوژیک، مناقشه بر سر جایگاه و رهبری گرفته تا منازعات قومی، سرزمینی و حقوق مربوط به آب همگی منابع نیرومند و پایدار بومی کشمکش و ناامنی را تشکیل می‌دهند (Boozan, 2002: 670).

-وزن ژئوپولیتیکی^۲: عبارتست از ثقل نیروها و عوامل مثبت و منفی مؤثر در قدرت ملی یک کشور یا به عبارتی جمع جبری عوامل قدرت ملی. وزن ژئوپولیتیکی موقعیت و منزلت یک کشور را در مجموعه‌ای از کشورها یا در سیستم ژئوپولیتیک جهانی و منطقه‌ای نشان می‌دهد (Hafeznia, 2006:109).

-توازن ژئوپولیتیکی^۳: عبارتست از برابری نسبی وزن ژئوپولیتیکی و عناصر قدرت یک واحد سیاسی - فضایی با رقبای آن. واحدها دارای موازنه ژئوپولیتیکی معمولاً با یکدیگر به رقابت می‌پردازند و الگوی رابطه بین آنها از نوع

1. Southwest Asia security Suit
 2. Geopolitical Weight
 3. Geopolitical Balance

برابر و احترام متقابل و بده بستان همتراز است. سیستم‌های ژئوپولیتیکی دو یا چند قطبی متوازن، از زیر بنا و وضعیت توازن ژئوپولیتیکی برخوردارند. در سیستم‌ها و الگوهای رابطه‌ی غیر متوازن نیز چنانچه یکی از عناصر سیستم خود را در شرایط ارتقاء موقعیت و همترازی با دیگران ببیند به تدریج سودای ناسازگاری در سر می‌پروراند و تلاش می‌کند تا از طریق توسعه‌ی منابع داخلی و با تکیه بر منابع و عناصر قدرت منطقه‌ای یا فرامنطقه بنوعی به توازن قوا برسد و رابطه‌ی سلطه نابرابر را به رابطه متقابل و برابر تبدیل نماید. مثلاً در سطح منطقه‌ای قدرت‌های درجه ۲ از طریق ناسازگاری با قدرت درجه ۱ از خود واکنش نشان داده و بر سر کنترل منطقه‌ای و جایگاه رهبری آن و یا تغییر رابطه و تقسیم متوازن منافع و قدرت با یکدیگر به رقابت می‌پردازند (Ibid: 119)

بحران ژئوپولیتیکی^۱: بحران ژئوپولیتیکی عبارتست از منازعه و کشمکش کشورها و گروه‌های متشکل سیاسی-فضایی و بازیگران سیاسی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی. بحران‌ها سرچشمه‌ها و انواع مختلف داشته و از لحاظ کارکردی منجر به خروج سیستم از حالت تعادل و بروز اختلال در وضعیت عادی و فرآیندهای فضای جغرافیایی و زیستگاه انسانها می‌گردند. بحران ژئوپولیتیکی از پایداری و تداوم نسبی برخوردار است و بسادگی قابل حل و برطرف شدن نیست. زیرا موضوع بحران و کشمکش ارزش‌های جغرافیایی هستند که در زمره منافع ملی و جمعی محسوب می‌شوند (Hafeznia, 2006:126-130).

قلمرو خواهی^۲: قلمرو ژئوپولیتیکی عبارت است از فضای جغرافیایی و انسانها و جوامع مربوط به آنها که در حوزه نفوذ و تاثیرگذاری یک یا چند متغیر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، امنیتی، تجاری، تکنولوژیکی و رسانه‌ای کشور یا بازیگر قدرتمند قرار دارد. بعبارتی، کشورها و سرزمین‌ها و فضاها جغرافیایی پیرامونی که در حوزه نفوذ کشور مرکز (قلب) قرار دارد (Hafez Nia, 2010:114).

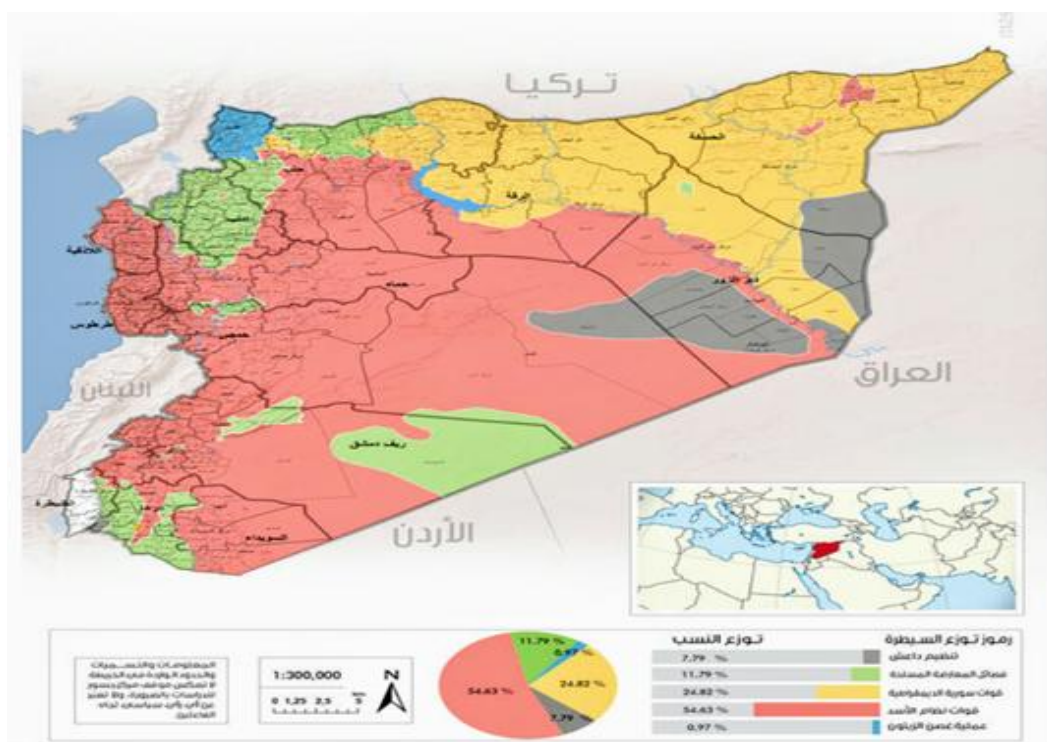
یافته‌ها

- موقعیت سوریه

سوریه به دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی، یکی از مهم‌ترین کشورهای خاورمیانه محسوب می‌شود که توانسته است در چند دهه اخیر نقش مهمی را در روند تحولات منطقه‌ای ایفا نماید. در همین راستا هر تغییری در نظام این کشور، باعث تغییر ژئوپولیتیکی خاورمیانه می‌شود. سوریه کشوری با مساحت ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۲۲ میلیون نفر است. در حدود ۷۴ درصد جمعیت سوریه سنی مذهب هستند. طیف دیگری از مسلمانان این کشور را علوی‌ها، شیعیان دوازده امامی و اسماعیلیان با مجموع ۱۳ درصد تشکیل می‌دهند. ۱۰ درصد جمعیت سوریه نیز مسیحی هستند و ۳ درصد بقیه جمعیت شامل دروزیان و یزیدیان می‌شود. مسلمانان شیعه بیشتر در شهرهای دمشق، حلب و روستاهای اطراف حمص ساکن اند ۸۹,۳ درصد مردم سوریه عرب هستند و بزرگ‌ترین اقلیت قومی در این کشور را کردها با رقمی حدود ۶ درصد جمعیت تشکیل می‌دهند (Nejat and Voldani, 2013: 33). تا قبل از شکل‌گیری بحران در سوریه، دست کم یک میلیون آواره عراقی و پانصد هزار فلسطینی نیز زندگی می‌کردند که همراه با کردها حدود ۷/۹ درصد کل جمعیت را شامل می‌شدند (Hafeznia, 2006: 84-85).

¹ Geopolitical Crisis

² Realm Geopolitical



نقشه ۱ - موقعیت جغرافیایی سوریه در منطقه جنوب غرب آسیا

Source: <http://www/tabyincenter.ir>

ژئوپولیتیک سوریه به شکلی است که جایگاه راهبردی به این کشور بخشیده است؛ قرار گرفتن این کشور در نقطه اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا باعث شده این کشور به عنوان یک بازیگر میان اروپای صنعتی و خاورمیانه به ایفای نقش بپردازد (Ajurlou, 2010: 56). سوریه کشوری ژئوپولیتیک-محور است که سه عامل؛ واقع شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه، قرار گرفتن بر کناره شرقی دریای مهم مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل و همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق، به وضوح اهمیت ژئوپولیتیک و نقش راهبردی این کشور را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نمایان می‌سازد. مسیر سوریه، وابستگی عراق و ایران را برای صادرات نفت و گاز به خلیج فارس، کانال سوئز و حتی تریکه تقلیل می‌دهد. طرطوس و بانباس می‌توانند بنادر مهمی برای صادرات نفت و گاز عراق و ایران به اروپا باشند.

سوریه بازیگری ژئوپولیتیک محور آسیای جنوب غربی

در میان مناطق بزرگ تنش قابل شمارش در سطح کره زمین، منطقه شرق مدیترانه، منطقه پر اهمیتی تلقی می‌شود. این موضوع هم از دیدگاه مردم این منطقه و هم از دیدگاه جهانی قابل تایید است. اگر تعمق عمیقی در مناطق جهان به عمل آوریم، مشاهده می‌کنیم که حادثترین مسائل ژئوپولیتیکی در منطقه خاورمیانه وجود دارد. با این همه، خاورمیانه فقط یک پانزدهم کمر بند پیرامونی زمین را تشکیل می‌دهد.

با نگاه اجمالی به وضعیت کشورهای عرب خاورمیانه متوجه می‌شویم که تنها سوریه است که در بازیهای سیاسی منطقه‌ای نقش مستقلی ایفا می‌کند و در عین حال صاحب دیدگاه خاص خود است. به همین دلیل است که محققان روابط بین الملل تلاش می‌کنند تا راه‌هایی برای جلب نظر دیدگاه رهبری سوریه در هماهنگی با غرب و بویژه امضای موافقتنامه صلح با رژیم اشغالگر قدس پیدا کنند. درگیری رژیم صهیونیستی با سوریه محور اهمیت نظامی و

استراتژیک سوریه در منطقه می باشد. تمام تحلیل‌های مقامات رژیم صهیونیستی بر این موضوع اتفاق نظر دارند که سوریه به عنوان خطر استراتژیک بر ضد رژیم صهیونیستی در منطقه است. آنها همچنین متفق القولند که نیروهای مسلح سوریه تنها نیروی مسلح عربی در منطقه است که میتواند امنیت رژیم صهیونیستی را در معرض خطر قرار دهد و این کشور تنها کشوری است که در منطقه عربی، در مقابل توسعه طلبی رژیم صهیونیستی جهت منافع خود ایستادگی می کند. از طرف دیگر، بدلیل اهمیت ژئواستراتژیک مدیترانه و صاحب نقش بودن این کشور در تحولات منطقه‌ای است (Farzandi, 2013: 21).

اهمیت منافع موجود و تنشهای اطراف مدیترانه نخست ناشی از این واقعیت است که در این بخش از جهان حد و مرزهای چندین مجموعه ژئوپولیتیکی با ابعاد جهانی با یکدیگر تلفیق شده و یکدیگر را قطع می کنند. از سوی دیگر موضوع منطقه‌ای مطرح است که به ویژه از نظر سیاسی بی ثبات است. زیرا بخش مهمی از کشورهای موجود در منطقه بخصوص آنهایی که در سواحل جنوب شرقی قرار گرفته‌اند با یکدیگر رقابت دارند و شاهد تنشهای داخلی روز افزونی هستند. کشور سوریه در منطقه مدیترانه از موقعیت خاصی برخوردار است. می توان گفت این کشور پل ارتباطی سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا می باشد. همسایگی با رژیم اشغالگر قدس، لبنان و عراق به این کشور موقعیت خاصی بخشیده است که بتواند در بازیهای سیاسی منطقه از جایگاه والائی برخوردار باشد. در میان کشورهای عربی خاورمیانه اکنون تنها سوریه است که سکاندار مبارزه با توسعه طلبی رژیم اشغالگر قدس می باشد. نزدیکی دیدگاه رهبران سوریه و جمهوری اسلامی ایران در این باره و دیگر معادلات منطقه‌ای و جهانی نیز به اهمیت نقش سوریه در میان کشورهای عرب منطقه افزوده است (Farzandi, 2013: 21).

سوریه در بین کارشناسان سیاسی بزرگترین کشور کوچک جهان نامیده می شود شاید دلیل آن این است که این کشور کوچک اهمیت فوق العاده‌ای در منطقه استراتژیک خاورمیانه دارد. سوریه بارها طی سه دهه گذشته نقش محوری خود را در مسائل مهم خاورمیانه به اثبات رساند و علی رغم تلاشهای غرب و در رأس آن آمریکا برای به زانو در آوردن سوریه در این خصوص موفق نگردیدند و بار دیگر کشورهای جهان در حال پایان دادن به انزوای سوریه می باشند. رهبران رژیم اشغالگر قدس فهمیده‌اند که بدون سوریه رسیدن به صلح در منطقه خاورمیانه غیرممکن است. همچنین وقتی آمریکا در عراق گرفتار می شود رئیس کمیته بررسی جنگ عراق به نام بیکر هاملتون توصیه می کند که دولت آمریکا باید با سوریه وارد مذاکره شود. در صحنه فلسطینی فتح که سالهاست با سوریه روابطی سرد دارد در اداره امور دولت خودگردان دچار مشکل می گردد و حماس مورد حمایت سوریه که رهبرانش در این کشور پناه گرفته‌اند در یک انتخابات آزاد در صحنه فلسطین با حمایت قوی مردمی پیروز می شوند و نیروهای مخالف سوریه در صحنه فلسطین برای جبران مافات دست به دامن سوریه می شوند همه این موارد نشان از نقش استراتژیک سوریه در منطقه دارد (same).

با توجه به مطالب فوق در خصوص عوامل ژئوپولیتیکی کشور سوریه را می توان به شرح ذیل اشاره نمود:

۱. واقع شدن این کشور در منطقه راهبردی خاورمیانه: اگر به مسائل مطرح جهان نگاهی بیفکنیم متوجه میشویم حادثترین مسائل و بحرانهای جهان در این منطقه است و این منطقه همواره در جهان خبرساز و توجه جهانیان را به خود جلب می نماید حال این مسئله روزی جنگهای اعراب و رژیم صهیونیستی روز دیگر پیروزی شکوهمند انقلاب

اسلامی و روز دیگر تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، صلح خاورمیانه، حمله عراق به کویت، درگیری آمریکا و عراق و اشغال این کشور توسط آمریکا می‌باشد. همه این موارد نشان از راهبردی بودن این منطقه و اهمیت آن در جهان دارد، سوریه در اکثر این بحراها دارای نقش محوری بوده است.

۲. **واقع شدن سوریه بر کناره شرقی دریای استراتژیک مدیترانه:** این کشور حدود ۱۸۳ کیلومتر ساحل در آنار دریای مدیترانه دارد. این ساحل سوریه را به عنوان یک آشور حوزه دریای مدیترانه قرار داده است. وجود سوریه در این منطقه در واقع پل ارتباطی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا به حساب می‌آید و با توجه به برنامه‌های دولت سوریه می‌تواند یکی از مراکز مهم انتقال انرژی (نفت و گاز) به اروپا به حساب آید.

۳. **همسایگی در کنار رژیم صهیونیستی، لبنان، ترکیه و عراق:** موقعیت ویژه‌ای را به این کشور داده و چنانکه در بالا اشاره شد می‌تواند تأثیرات زیادی در این کشورها گذاشته و به عنوان بازیگر عمده منطقه‌ای به حساب آید.

تنش در روابط با رژیم صهیونیستی یا بهتر گفته شود عدم دستیابی به صلح بین سوریه و این رژیم می‌تواند از چالش‌های مهم منطقه برای آمریکا به حساب آید. رژیم صهیونیستی بارها بر این مسئله تأکید کرده است که تنها ارتشی عربی که می‌تواند امنیت رژیم صهیونیستی را در معرض تهدید قرار دهد ارتش سوریه است کوشش‌های بشار اسد در تقویت ارتش این کشور به سلاح‌های پیشرفته به خصوص روسی بارها مورد اعتراض آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفته است (same, 22).

- اهمیت ژئوپولیتیکی شرق مدیترانه در قلمرو خواهی ایران

حوزه مدیترانه شرقی که در واقع نقطه آغازین حرکت محور مقاومت و پیشانی کمر بند شیعی محسوب می‌گردد، جلوه گاه تقابل اسلام و رژیم صهیونیستی است و نیز به سبب اهمیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک، می‌تواند بخشی از قلمرو استراتژیک ایران باشد. این حوزه نقطه عطف تحقق اهداف راهبردی ایران به شمار می‌رود.

این حوزه جغرافیایی از حیث موقعیت ژئوپولیتیک و برخوردار از جمعیت شیعه مذهب قابل توجه در ترکیب مذهبی این حوزه و موقعیت این گروه جمعیتی در همجواری با رژیم صهیونیستی از موضع تأثیرات نرم و گسترش نفوذ از موقعیتی راهبردی برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران با ارزش‌های خاص و ویژه است، ارزشهایی که ریشه در فرهنگ اصیل اسلامی و هنجارهای بومی انسان دارد و این ارزش‌های بومی - مذهبی در حوزه جغرافیایی و تمدن ویژه شکل گرفته و مهم‌ترین عامل تأثیر و نفوذ منطقه‌ای ایران می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ سنتی، دارای قدرت نرم است، قدرتی که به این کشور اجازه نفوذ فرهنگی و مردمی در میان کشورهای منطقه و منافع راهبردی را بدون توسل به زور و حربه‌های نظامی و صرفاً با تکیه بر سیاست ورزی را می‌دهد (Nosrati, 2012: 104 - 105).

بر همین اساس آمریکا به منظور نادیده گرفتن جایگاه طبیعی ایران در نظام منطقه‌ای دائماً در تلاش است تا رقابت منطقه‌ای ایران و فضا سازی توسعه حوزه نفوذ رقبای آن را افزایش دهد. برای نمونه، عربستان و شورای همکاری خلیج فارس در جنوب، پاکستان در شرق و آسیای مرکزی و بالأخره ترکیه در غرب و آسیای مرکزی و قفقاز. هدف این اقدامات جلوگیری از قرار گرفتن ایران در موقعیت رهبری منطقه‌ای است. یعنی درست همان چیزی که ناشی از

موقعیت جغرافیای ایران است و دیگران فاقد آن هستند (ایران به عنوان کانون ارتباط چند حوضه ژئوپولیتیکی و دو مخزن بزرگ انرژی جهان) (Christin, 2003: 71)

لذا با توجه به اهداف سیاست خارجی و اهداف منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، افزایش نفوذ منطقه‌ای بر پایه عوامل پیونددهنده ژئوپولیتیک در جهت ایجاد حلقه‌های امنیتی پیرامون امری ضروری است. از این رو منطبق با اصول و مبانی فلسفی انقلاب اسلامی، تلاش در جهت ایجاد حوزه‌های نفوذ، از اولویت راهبردی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. کشور ایران در مرکز ثقل و کانون جغرافیای شیعه بوده و از این رو می‌تواند و باید این قلمرو را رهبری نماید که در این صورت، موفق به برهم زدن موازنه ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک خاورمیانه می‌شود. این کشور با بهره‌گیری از مولفه‌های تاثیرگذار چون وحدت کلمه، دشمن مشترک (رژیم صهیونیستی)، ارمان مشترک، استقلال و نفی وابستگی، مردم‌گرایی و مقاومت در جنگ ۸ ساله، تبدیل به الگو شده و زمینه همگرایی بیشتر با حوزه شرق مدیترانه را فراهم ساخته است که این امر منجر به ایجاد یک قلمرو فضایی با مرکزیت ایران شده است.

-اهمیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی کشور سوریه برای جمهوری اسلامی ایران

سوریه کشوری در حد فاصل خاور نزدیک و خاورمیانه و نقطه‌ی اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است و ژئوپولیتیک سوریه به گونه‌ای طراحی شده که جایگاهی خاص و راهبردی برای این کشور رقم زده است. در بعد ژئوپولیتیکی، سرزمین سوریه برای قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از چند جنبه دارای اهمیت است:

- بخش با اهمیتی از منطقه ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک غرب آسیا است.
- همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان و ترکیه و عراق به عنوان اجزای مهم ژئوپولیتیک منطقه.
- کشوری تأثیرگذار در معادلات سیاسی لبنان است (Ayorlo, 2012: 56).
- همپوند با درگیری‌های اعراب و اسرائیل
- ساخت سیاسی متفاوت و متمایز نسبت به سایر کشورهای عرب منطقه، چراکه تنها کشور عربی است که مناسبات مستقل منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. این موقعیت راهبردی، چالش‌هایی همچون بی‌ثباتی و ناامنی را برای این کشور رقم زده است (Sutherlin, 2013: 2).

ایران و سوریه دارای منافع مشترکی در غرب آسیا هستند. دوستی ایران و سوریه از قبل انقلاب شروع شده و در دوران جنگ تحمیلی ادامه پیدا کرده و بعد از آن هم به عنوان دوکشوری که منافع راهبردی مشترکی داشتند، در منطقه به ایفای نقش پرداخته‌اند. ایران با کمک سوریه توانسته آن آزادی عمل را در لبنان داشته باشد تا بتواند از گروه‌های مبارز فلسطینی یا حزب الله لبنان حمایت کند. برای حفظ این آزادی عمل، ایران باید از دولت سوریه حمایت کند. فروپاشی نظام سوریه ممکن است به تضعیف حزب الله و گروه‌های فلسطینی هم منجر شود. از لحاظ ژئوپولیتیک، سوریه عمق راهبردی ایران در غرب تا سواحل دریای مدیترانه است. بنابراین، مرزهای لبنان و سوریه به عنوان خط مقدم منطقه‌ی نفوذ ایران تلقی می‌شود. از این منظر، ایران با کشورهای سوریه و لبنان و مجموعه‌های حزب الله، جهاد اسلامی و حماس، یک جبهه ضد صهیونیستی تشکیل داده که در این اتحاد، سوریه نقش پل ارتباطی را ایفا می‌کند. در حال حاضر همه فشارها برای شکستن این پل ارتباطی، یعنی سوریه اعمال می‌شود و هدف از سرنگونی رژیم کنونی در آن کشور نیز باامید به منزوی ساختن ایران صورت می‌پذیرد. یکی از

اهداف ژئوپلیتیکی قدرتهای نافذ فرامنطقه‌ای، قطع محور راهبردی است که ایران را به لبنان، فلسطین و دریای مدیترانه متصل می‌سازد. بنابراین قراردادن سوریه در حالت هرج و مرج، تاکتیک نظام سلطه در نبرد با ایران نیز محسوب می‌شود. فوری‌ترین هدف راهبردی غرب از بی‌ثبات سازی و ایجاد بحران در سوریه عبارت است از تصرف اولین خاکریز دفاعی جبهه مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی و حمله به عمق راهبردی جمهوری اسلامی که ضرورت اولیه تضعیف مقاومت اسلامی و سیاست مهار^۱ جمهوری اسلامی قلمداد می‌شود. با توجه به موارد یادشده، سوریه برای جمهوری اسلامی دارای اهمیت راهبردی قابل‌اتکایی است، از جمله: سوریه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نزدیک‌ترین متحد عربی با جمهوری اسلامی ایران بوده است. با وجود نظام‌های سیاسی متفاوت ایران و سوریه و همگرایی نسبی نوع حکومت در سوریه و عراق، نظام سوریه در جنگ تحمیلی رژیم بعثی علیه ایران اسلامی با جمهوری اسلامی همراهی کرد. روابط حسنه سوریه با جمهوری اسلامی ایران در راه‌اندازی و تقویت جبهه‌ی مقاومت همواره ادامه یافته است.

سوریه بعد از انقلاب اسلامی همواره در ضدیت با رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی همراهی کرده است. دولت سوریه از متحد جمهوری اسلامی ایران یعنی حزب الله لبنان در مقابل رژیم صهیونیستی حمایت می‌کند. سوریه با جمهوری اسلامی و مقاومت اسلامی در منطقه، همگرایی و همسویی دارد. این کشور در انتقال نفت و گاز عراق و ایران به اروپا موقعیت ویژه‌ای دارد.

تحولات سوریه بر نقش آفرینی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در منطقه تأثیر زیادی دارد. تداوم بحران در سوریه، تلاشی از سوی غرب و کشورهای عربی برای جلوگیری از گسترش امواج بیداری اسلامی در کشورهای عربی و به چالش کشیدن گفتمان انقلاب اسلامی است (Farzandi, 2013:15).

-ژئوپولیتیک بحران در سوریه

سوریه به دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیک، یکی از مهم‌ترین کشورهای خاورمیانه محسوب می‌شود که توانسته است در چند دهه اخیر نقش مهمی را در روند تحولات منطقه‌ای ایفا نماید. در همین راستا، هر تغییری در نظام این کشور، باعث تغییر ژئوپولیتیک خاورمیانه می‌شود (Nejat and Valadani, 2013: 33).

تقابل سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست در کشور سوریه سبب شده است تا شاهد رقابت بازیگران مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی در تحولات داخلی سوریه باشیم. سوریه که به عنوان بخشی از سرزمین بزرگ شام شناخته می‌شود در کنار کشورهایی چون لبنان، ترکیه، عراق، فلسطین اشغالی، قبرس و اردن قرار گرفته است. این همسایگی سبب شده است تا با ترکیه بر سر موضوع کردها و همچنین اختلافات ارضی با دولت عراق در سال‌های گذشته در رقابت ایدئولوژیک با حزب بعث قرار داشته باشد. سوریه به همراه ایران یکی از اجزاء و عناصر محور مقاومت را تشکیل می‌دهند و در این مسیر به حمایت از گروه‌های جهادی فلسطین، مخصوصاً حماس و جهاد اسلامی فلسطین و همچنین حزب الله لبنان در برابر رژیم صهیونیستی حمایت مادی و معنوی می‌نماید. شکل‌گیری اعتراضات داخلی سوریه از مارس ۲۰۱۰، زمینه ساز نقش آفرینی و مداخله قدرت‌های

^۱ Containment Policy

منطقه‌ای و بین‌المللی در سوریه شده و تحولات میدانی این کشور به عرصه‌ای برای جنگ نیابتی برخی کشورها بدل شد. در این میان ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی، اتحادیه اروپا، ترکیه، شورای همکاری خلیج فارس به خصوص عربستان و قطر به حمایت از معترضان و گروه‌های تروریستی پرداختند و در مقابل فدراسیون روسیه، ایران، حزب الله و دولت لبنان، عراق و چین به حمایت از دولت قانونی بشار اسد پرداختند (Niakuye and Bahmanesh, 2012: 104).

به هر حال باید تصریح نمود که بحران سوریه یکی از مهم‌ترین حوادث تأثیرگذار در نظام بین‌الملل طی سال‌های اخیر بوده است که توجه بسیاری از بازیگران را به این کشور معطوف نموده است. سوریه که دارای مقدمات ژئوپولیتیک فراوانی است با شروع تحولات داخلی و شکل‌گیری بحران، بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی که هرکدام اهداف و منافع خاص خود را پیگیری می‌کردند به ایفای نقش پرداختند. لذا این مجموعه مداخلات سبب پیچیده شدن معادلات سیاسی و امنیتی در این کشور شده است. جنگ داخلی سوریه، بستری را فراهم کرده تا به واسطه آن بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بر اساس جایگاه ژئوپولیتیک این کشور در خاورمیانه، در صدد تحقق و تأمین حداکثری منافع خود باشند.

۱- ابعاد منطقه‌ای بحران

بعد منطقه‌ای بحران سوریه، که به زعم این پژوهش مهم‌ترین بعد آن است به دخالت‌های قدرتهای منطقه‌ای مربوط میشود. در واقع، تداوم بحران سوریه ناشی از رقابت بین دو جریان متضاد مقاومت و محافظه کار عربی در منطقه خاورمیانه است. در این میان، سوریه در محور مقاومت از جایگاه ژئوپولیتیک و استراتژیک ویژه‌ای برخوردار است، چرا که حلقه اتصال بین ایران و عراق با مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین است. از ویژگی بحران سوریه دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم عوامل بیرونی است؛ به گونه‌ای که با شروع اعتراضات از مارس ۲۰۱۱، بازیگران مهم منطقه‌ای تکلیف خود را در قبال آن می‌دانستند: از یک طرف اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس مخصوصاً عربستان و قطر، به همراه ترکیه و اسرائیل، رضایت و حمایت کامل خود را از معترضان داخلی و خارجی بشار اسد، اعلام نمودند و به تلاش‌های خود در جهت نفوذ بیشتر و مدیریت اعتراضات افزودند. از طرف دیگر ایران، حزب الله و دولت لبنان و عراق به حمایت از دولت بشار اسد و ثبات حکومت وی می‌پردازند (Niakuy and Bahmanesh, 2012: 104).

در نگاه اغلب تحلیلگران خاورمیانه، یکی از اهداف اصلی عربستان در بحران سوریه، تضعیف جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در منطقه است، که با همراهی ترکیه و قطر در مقام حامیان مخالفان نظام سیاسی سوریه، اصلی‌ترین بازیگران منطقه‌ای دخیل در بحران می‌باشند که علیه دولت سوریه متحد استراتژیک ایران وارد عمل شده‌اند. به صورت مستقیم با ارسال نیروهایی یا تشکیل گروه‌های شبه نظامی و گماشتن مزدوران، ارسال سلاح و کمک‌های مالی و پرداخت حقوق به معترضان و به صورت غیرمستقیم با حمایت‌های رسانه‌ای، تبلیغاتی و فشار سیاسی در مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای علیه دولت سوریه، در امور داخلی این کشور نقش آفرینی می‌کنند (Ajurlou, 2010: 61-62).

۲- ابعاد بین‌المللی بحران

سوریه از جمله کشورهایی است که تقابل و کنش سه عامل جغرافیا، قدرت و سیاست، موجب شکل‌گیری نوعی رقابت بین‌المللی برای تأثیرگذاری و مدیریت حوادث داخلی این کشور شده است (Niakuy and Bahmanesh, 2012: 103). همچنین از طرفی دیگر ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و چین نیز دنبال منافع استراتژیکی و اقتصادی خود در منطقه هستند. از یک سو بحران سوریه را همچون تهدیدی برای منافع استراتژیکی خود می‌نگرند و از سوی دیگر به عنوان فرصتی برای محکم کردن مواضع و گسترش نفوذ خود در منطقه، به تحولات سوریه چشم دوخته‌اند. در خصوص تبیین مسئله سوریه از لحاظ سطح بین‌المللی، نقش و اهداف دو قدرت بزرگ فرا منطقه‌ای حائز اهمیت است. ایالات متحده در بحران سوریه دو هدف عمده را دنبال می‌کند؛ اول حفظ امنیت اسرائیل و دوم نفوذ در محور مقاومت در جهت مهار جمهوری اسلامی ایران (Niakuy, 2012: 165). بر این مبنای دیدگاه غرب و به ویژه آمریکا، چنانچه سوریه که حلقه وصل اعضای محور مقاومت است، سقوط کند و جهت سیاست خارجی این کشور به سوی جریان محافظه کار تغییر یابد، به نوعی شاید امنیت اسرائیل پس از انقلاب‌های عربی و به ویژه انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ در مصر تا حدی ترمیم خواهد شد.

-تأثیر بحران سوریه بر رقابت‌های استراتژیکی جمهوری اسلامی ایران با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

۱- رقابت ایران و عربستان: سوریه متحد استراتژیکی ایران در خاورمیانه و حلقه واسط میان ایران، حزب الله و حماس به شمار می‌رود. امری که موجبات نگرانی رژیم صهیونیستی و همپیمانان آن در منطقه را فراهم ساخته است (Lebanon, Al-Jawid, 2016). با آغاز ناآرامی‌های این کشور، عربستان تلاش کرد از این فرصت بمنظور بهره‌گیری از کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران استفاده کند. بنابراین، سیاست مداخله در امور داخلی سوریه در دستور کار قرار گرفت. این کشور به حمایت علنی از مخالفان نظام سوریه پرداخت. پشتیبانی مالی برای تهیه سلاح و قاچاق اسلحه به داخل سوریه و ارائه راهکارهای عملیاتی به افراد برجسته در میان معترضان و مرتبط کردن آنها با رسان‌های بی‌المللی و ایجاد فشار رسانه‌ای از طریق رسانه‌های تحت مالکیت آن کشور همانند شبکه تلویزیونی العربیه، الحیات و الشرق الاوسط از جمله اقدامات این کشور است (Karami, 2011: 93).

سعود الفیصل، وزیر خارجه عربستان، نیز در این رابطه عنوان داشته که تسلیح مخالفان سوری برابر نیروهای امنیتی سوری را ندارند، باید ادا شود. همچنین وی در دیدار خود با جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، در ژوئن ۲۰۱۳ م نگرانی خود را از دخالت ایران و حزب الله لبنان در جنگ داخلی سوریه اعلام کرد و گفت که شورشیان باید برای دفاع از خود در برابر فشارها تسلیح شوند. وی گفت: «نمی‌توانیم در برابر مداخله ایران و حزب الله در سوریه ساکت بمانیم» (Habboush, 2013).

به طور کلی می‌توان رویکرد عربستان در سوریه را منبث از چند دلیل دانست:

- افزایش قدرت منطق‌های عربستان از طریق کاهش قدرت منطق‌های ایران (رویکرد حاصل جمع جبری صفر)
- افزایش ضریب امنیتی عربستان از طریق تضعیف محور مقاومت و کاهش نفوذ ایران در منطقه.

➤ انتقال بحران از محیط پیرامونی عربستان (یمن - بحرین و مناطق شرقی عربستان) به منطقه شامات (سوریه - لبنان) که محیط بازیگری ایران به شمار می‌رود.

➤ کاهش ضریب امنیتی ایران در حوزه‌های موضوعی مختلف از جمله مرزها، اقوام و همچنین مذاکرات هسته‌ای (Abbasi and Mohammadi, 2014: 82).

بسیاری از نظریه پردازان معتقدند که رقابت ایران و عربستان در سوریه منجر به شکل‌گیری محیط جنگ سرد جدید در خاورمیانه شده است. گری گوس سوم معتقد است که ایران و عربستان به عنوان دو قدرت برتر خاورمیانه به جای رویارویی نظامی مستقیم به رقابت در درون نظام‌های سیاسی داخلی دولت‌های ضعیف منطقه روی آوردند. تقویت سیاسی و نظامی گروه‌های داخلی دولت‌ها برای منازعات داخلی بسیار با اهمیت‌تر از موازنه نظامی قدرت میان ریاض و تهران خواهد بود (Gause, 2014:1).

۲- رقابت ایران و رژیم صهیونیستی

ایران و اسرائیل به عنوان دو رقیب منطقه‌ای همواره در موضوعات مختلف با یکدیگر رقابت داشتند. سوریه نیز یکی از حوزه‌هایی است که این رقابت تشدید شده است. بقای اسد در قدرت جزء الزامات سیاست خارجی ایران به شمار رفته و حذف اسد برای اسرائیل منافی را به همراه خواهد داشت:

مرز مشترک سوریه با اسرائیل باعث شده که هرگونه تحول در سوریه مستقیماً بر امنیت اسرائیل اثرگذار باشد. طبق نظریه موازنه تهدید مجاورت جغرافیایی می‌تواند یکی از منابع تهدید به شمار رفته و ضریب امنیتی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. نظام سیاسی سوریه از ابتدا معاهده صلح با اسرائیل را امضاء نکرده و بدین ترتیب، دشمن عربی اسرائیل به شمار می‌رود (frhat, 2015). هرگونه تغییری در نظام سیاسی سوریه می‌تواند تهدیدات اسرائیل را کاهش دهد. بدلیل اتحاد استراتژیک ایران و سوریه و حمایت این دو کشور از محور مقاومت در منطقه، تحول ساختاری در سوریه می‌تواند گفتمان مقاومت را تضعیف و موجبات افزایش کن‌شگری اسرائیل در منطقه شود.

البته در کنار این منافع سقوط اسد و روی کار آمدن نیروهای افراطی اسلامگرا همچون داعش و جبهه النصره در سوریه هرچند در کوتاه مدت به نفع اسرائیل بوده و خطر ایران و محور مقاومت را از بین می‌برد، اما در بلندمدت امنیت اسرائیل را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند (Inbar, 2012:1). با این وجود، می‌توان بیان داشت که رژیم صهیونیستی تلاش دارد تا با حذف اسد، توازن منطق‌های را به نفع خود تغییر دهد. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که ایران درگیر مذاکرات هسته‌ای بوده و تضعیف جایگاه ایران در سوریه می‌تواند موضع ایران را در این مذاکرات خدش‌دهنده کند. از آنجا که اسرائیل نیز به شدت مخالف برنامه هسته‌ای ایران بوده اهمیت سوریه برای ایران و رژیم صهیونیستی دوچندان می‌شود.

۳- رقابت ایران و آمریکا

آمریکا به عنوان مهمترین بازیگر فرمانطقه‌ای تلاش کرد تا از ابتدا در بحران سوریه با رویکرد تغییر رژیم مداخله کند. اهداف آمریکا از اتخاذ این رویکرد عبارت بودند از:

➤ حذف نظام سوریه به عنوان بازیگری که هم‌زونی آمریکا را در منطقه به چالش می‌کشد.

➤ منزوی شدن ایران و سوریه به عنوان دو کشور تجدیدنظرطلب در منطقه.

- افزایش امنیت ملی اسرائیل از طریق حذف اسد و تضعیف محور مقاومت (ایران، سوریه و حزب الله لبنان)
 - تأمین امنیت انرژی و تضعیف ایران به عنوان کشور مختل‌کننده جریان انرژی در خاورمیانه.
 - وادار نمودن ایران برای پذیرش شروط آمریکا در مذاکرات هسته‌ای.
 - برهم خوردن توازن قدرت در خاورمیانه به نفع متحدان منطقه‌ای آمریکا (ترکیه، اسرائیل و عربستان)
 - کاهش نفوذ روسیه در خاورمیانه.
 - افزایش هژمونی آمریکا در منطقه و سطح جهانی و تقویت جایگاه آمریکا در دیگر کشورهای دستخوش انقلاب از جمله مصر و لیبی (Abbasi and Mohammadi, 2014: 79).
- بر همین مبناست که ایران از آغاز بحران سوریه همواره از نظام سیاسی سوریه حمایت کرده است. در واقع، سقوط اسد می‌تواند نشانه‌های تنزل منافع و جایگاه ایران در کل خاورمیانه باشد. زیرا با از دست رفتن اسد دستیابی مجدد ایران به یک متحد استراتژیک دیگر در این منطقه با توجه به پیچیدگی‌های سیاست در خاورمیانه بعید به نظر می‌رسد (Nerguizian, 2012: 33).
- از نظر آمریکایی‌ها تداوم این حمایت به چند دلیل برای ایران حیاتی است: اولین دلیل به تقسیم‌بندی درون جهان اسلام (شیعه و سنی) برمی‌گردد. از آنجا که بشار اسد و بسیاری از رهبران حکومتی و نظامی سوری دارای مذهب علوی هستند، حفظ روابط با اسد می‌تواند منافع ایران را در کشوری که اکثریت جمعیت آن را اهل سنت تشکیل می‌دهند را تأمین کند (Bartell & Gray 2011: 140). به گفته رابرت ساتلو «سوریه جبهه حساسی است که بخشی از رقابت بزرگ در خاورمیانه جدید را تشکیل می‌دهد. چالش میان ایدئولوژی اسلام شیعی به رهبری ایران و ایدئولوژی اسلام سنی به رهبری عربستان» (Satloff, 2012: 45).
- جمهوری اسلامی ایران تحولات و بحران موجود در سوریه را به مثابه استراتژی اسرائیلی - آمریکایی تفسیر کرده که در حال نبرد با جمهوری اسلامی است. از نگاه مقامات نظام جمهوری اسلامی ایران تغییر رژیم در سوریه مقدم‌های بر تغییر رژیم در تهران بشمار می‌رود. بنابراین، با توجه به این رویکرد جای هیچ شک و شبه‌های در حمایت از سوریه برای تهران باقی نمی‌ماند (Assburg & Wimmen, 2013: 73).
- پیامدهای بحران سوریه بر قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران:**
- منافع سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیک قدرتهای منطقه‌ای و نیز منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای و رقابت میان آنها در منطقه خاورمیانه، شرایطی را رقم زده است که این منطقه در چرخه‌ای از تأثیر و تأثر امنیتی قرار گیرد و امنیت هر یک از واحدهای آن بدون در نظر گرفتن واحدهای دیگر امکان‌پذیر نباشد. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران امنیت خود را در قالب تعاریف موسع امنیت تعقیب می‌کند، طبیعتاً هرگونه تغییر و تحول در سطوح منطقه‌ای یا بین‌المللی، در ابعاد مختلف امنیت کشور ما آثاری بر جای می‌گذارد. هیچ نظام پایدار و متعادل منطقه‌ای بدون ایجاد وابستگی متقابل در زمینه‌های مختلف بین بازیگران اصلی دوام نمی‌یابد. منطق استدلال فوق این است که در صورت بروز هرگونه ناامنی و بی‌ثباتی در سطح منطقه، کلیه بازیگران اعم از منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای متحمل هزینه‌های زیادی می‌شوند (Barzegar, 2007: 73). به هر حال، دو کشور ایران و سوریه امروزه یکی از قوی‌ترین و عمده‌ترین اتحادها را در کل خاورمیانه تشکیل داده‌اند. سوریه به عنوان کشوری رانده شده در جهان عرب، نیازمند یک حامی مالی و

متحدی استراتژیک است که در منطقه به لحاظ سیاسی از خودش قدرتمندتر باشد که در واقع می‌توان استدلال نمود که ائتلاف بین ایران و سوریه چنین نقشی را ایفا نماید (Pan, 2006). که از ترکیبی از ملاحظات استراتژیک، تهدیدات امنیتی مشترک، اتحاد ایدئولوژیک و نیاز دو طرف به شرکای سیاسی مطمئن نشأت می‌گیرد. البته عامل مهم و عمده تهدیدهای امنیتی مشترک حول دو تهدید امنیتی عمده یعنی رژیم صهیونیستی و عربستان در مقام متحدان استراتژیک آمریکا بوده است که با محور استراتژیک ایران و سوریه مجاورت داشته‌اند. این دو تهدید امنیتی از قابلیت‌های تهاجمی بالایی برخوردار هستند که نیات تهاجمی آن‌ها در سیاست‌های اعلامی و اعلانی این دو کشور مشهود بوده است (Gelbart, 2010: 41).

درنگاه کلی اهمیت و نقش راهبردی سوریه برای جمهوری اسلامی ایران در محورهای زیر خلاصه می‌شود: سوریه تنها همپیمان منطقه‌ای ایران است، موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک خاص سوریه در خاورمیانه، هم‌سویی سیاست‌های ضدآمریکایی و ضد اسرائیل دو کشور، همسایگی سوریه با فلسطین اشغالی و لبنان، حمایت از جریان مقاومت اسلامی و جبهه اول مبارزه با رژیم صهیونیستی، نقش تأثیرگذار سوریه در معادلات سیاسی لبنان (Ajurlou, 2011: 57). نقش اساسی سوریه در مناقشه اعراب و اسرائیل و موقعیت ویژه سوریه در انتقال نفت و گاز ایران به اروپا. تأمل در مؤلفه‌های اصلی مجموعه امنیتی منطقه‌ای موردنظر اعضای مکتب کپنهاگ مانند وابستگی متقابل امنیتی، الگوهای دوستی یا دشمنی، مجاورت، وجود حداقل دو بازیگر مؤثر نشانگر آن است که به نحو مطلوبی می‌توان از این چارچوب تئوریک جهت بررسی تأثیر بحران سوریه بر امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بهره گرفت. بنابراین هرگونه اقدامی جهت براندازی یا تضعیف این متحد استراتژیک ایران، بازتابی بر امنیت و جایگاه منطقه‌ای ایران نیز خواهد داشت که در ادامه مهمترین این چالش‌ها را بررسی می‌کنیم.

۱- تضعیف محور مقاومت: یکی از مهمترین اهداف بحران سوریه تضعیف محور مقاومت بوده است، به عقیده باری بوزان^۱ اتخاذ موضعی محکم و اصولی از سوی برخی کشورهای خاورمیانه در حمایت از فلسطینی‌ها در برابر اسرائیل، جزء جدایی‌ناپذیر از مشروعیت حکومت‌ها در مقابل ملت‌هایشان به حساب آمده است. بنابراین بدون این پیوستگی‌های مشترک فرهنگی، ایدئولوژیک، صرفاً دغدغه‌های امنیتی مشابه در این مجموعه کشورهای منطقه، نمی‌تواند الگویی جدا از وابستگی متقابل امنیتی را شکل دهد. از ستونهای اصلی محور مقاومت، به خاطر مرز مشترکی که با اسرائیل دارد، در معادلات راهبردی آمریکا در منطقه مانع بزرگی به شمار می‌آید و آمریکا با نابودکردن این پل ژئوپولیتیکی و از میان برداشتن رابط میان ایران و صف اول مقاومت، به دنبال تضمین امنیت اسرائیل است. چون در صورتیکه سوریه از توان و ظرفیت بالایی برخوردار باشد به راحتی قادر است که تهدیدات محور مقاومت را علیه اسرائیل به منصفه ظهور برساند. اما ضعف این دولت نه تنها تهدید اسرائیل از جانب شمال را منتفی می‌کند، بلکه سوریه ضعیف قادر نخواهد بود حزب الله، حماس و دیگر گروه‌های ضد اسرائیلی را تقویت کند... از منظری دیگر می‌توان استدلال نمود که جمهوری اسلامی ایران دمشق را خاکریز نخست جبهه مقاومت اسلامی قلمداد می‌کند و به همین دلیل ایران در طی بحران سوریه هیچ‌گاه از راه حل‌های نظامی و دخالت سایر کشورها اعم از منطقه‌ای و

^۱ Boozan Barry

غربی، جهت حل و فصل بحران این کشور حمایت نموده است؛ بلکه برعکس مسئولان دستگاه دیپلماسی ایران همواره معتقدند که برای حل بحران سوریه فقط یک راه وجود دارد و آن نیز راه حل سیاسی است. تردیدی نیست که جمهوری اسلامی ایران به سوریه همچون متحدی راهبردی در منطقه خاورمیانه می‌نگرد و حفظ دولت سوریه و حمایت از گروه‌های اسلامی محور مقاومت از قبیل حماس و حزب الله را همواره به منزله یکی از اهداف مهم در رویکرد سیاست خارجی خود مطرح نموده است. همچنین ایران کشور سوریه را به مثابه سپری از دفاع امنیتی در منطقه برای خود قلمداد مینماید که در صورت فروپاشی ممکن است که ایران را با یک چالش و معضل بزرگ امنیتی در منطقه روبرو سازد (Sadeghi and Lotfi, 2015: 140).

۲- برهم زدن ساختار قدرت و موازنه قوا در منطقه: آنچه بر مناسبات دو کشور جمهوری اسلامی ایران و سوریه یک هویت جمعی باثبات و پایدار بخشیده است، همسویی مواضع و استراتژی‌های سیاست خارجی، اشتراکات منافع، اشتراکات فرهنگی و قومی و... است. از آنجا که اشتراکات منافع و ایدئولوژیک می‌تواند مبنای شکل‌گیری این الگو قرار گیرد، اتخاذ سیاست خارجی یکسان تهران و دمشق در برابر اسرائیل و تا حدودی آمریکا و همچنین حمایت از حزب الله لبنان و گروه‌های مقاومت فلسطینی، بستر مناسبی را برای کنار هم قرار گرفتن هویت اسلامی شیعی- ایرانی و ناسیونالیسم عربی - سوری فراهم کرد. با در نظر گرفتن اینکه بروز هرگونه رخدادی در درون یا بیرون یک مجموعه امنیتی میتواند به دگرگونی در توزیع قدرت، نظام امنیتی، نقش و جایگاه بازیگران یا تغییر الگوهای دوستی و دشمنی در درون مجموعه امنیتی منجر شود؛ چون برآمد این تحولات زمینه وارد شدن و نقش آفرینی قدرتهای فرا منطقه‌ای را در داخل مجموعه امنیتی را فراهم می‌نماید، بنابراین بحران کنونی سوریه ممکن است منجر به مجموعه امنیتی شود که این ناشی از حضور قدرتهای خارجی در این مجموعه است. چون حضور مستقیم قدرتهای فرامنطقه‌ای و به دنبال آن حمایت‌های استراتژیک اقتصادی، سیاسی و تسلیحاتی این قدرتها از برخی بازیگران مجموعه امنیتی منطقه‌ای، باعث سرکوب دینامیک امنیتی بومی و دگرگونی پویهای داخلی مجموعه امنیتی خواهد شد (Martin, 2009: 50).

۳- تضعیف جایگاه و نفوذ ایران در منطقه: جمهوری اسلامی ایران نیز به فراخور نقش و میزان اثرگذاری خود در خاورمیانه، در معرض رقابت با برخی قدرتهای منطقه‌ای قرار دارد، رقابت‌هایی که می‌تواند در پاره‌ای موارد امنیت ملی کشور را در همه ابعاد آن هدف قرار دهد (Dehghani Firozabadi and Farzi, 2012: 178). تلاش قدرتهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای برای نقش آفرینی در تحولات جاری در سوریه، عراق، لبنان و فلسطین گویای آن است که مخالفان منطقه‌ای و خارجی ایران طرح گسترده‌ای را برای تضعیف گروه‌ها و حکومت‌های طرفدار ایران در دست اجرا دارند. در این راستا، عربستان سعودی سعی دارد با ایفای نقش فعال تر در کنترل پسا بحران سوریه، جایگاه خود را در این کشور ارتقا دهد. عربستان به شدت نگران نفوذ منطقه‌ای ایران به خصوص در میان شیعیان است و تلاش می‌کند تا نقش و نفوذ آن را کاهش دهد. تا قبل از بحران سوریه، عربستان به دنبال بهبود روابط با سوریه باهدف تضعیف رابطه این کشور با ایران بوده است. اما با شروع تحولات سیاسی این کشور، (Guzansky, 2011: 5). عربستان رابطه خود را به سمت مخالفان دولت سوریه تغییر داد. نفوذ و عمق استراتژیک ایران در منطقه مهمترین

تهدیدی است که از شرایط فوق برای ایران ایجاد می‌شود و می‌تواند به شدت منافع و امنیت ملی را تحت تأثیر قرار دهد. در واقع برای امریکا، غرب و کشورهای عرب محافظه کار، جنگ با سوریه به مثابه بخشی از جنگ گسترده با ایران ارزیابی می‌شود. به تعبیری دیگر سوریه گروگان آنها برای فشار به ایران است.

۴- شکل‌گیری منازعات گفتمانی و تشدید تنش‌های فرقه‌ای و مذهبی در منطقه: از مهمترین شاخص‌های امنیت منطقه‌ای، اختلافات و همبستگی‌های نژادی، قومی و مذهبی است. از دید بوزان این اختلافات فرقه‌ای همواره می‌تواند منشأ درگیری‌ها و جنگ‌های گسترده‌ای شود. در چارچوب امنیت منطقه‌ای یکی از تأثیرات بحران سوریه بر اختلافات و همبستگی‌های نژادی، قومی و مذهبی قابل ارزیابی است که به صورت شکل‌گیری منازعات گفتمانی با ظهور گفتمان افراطی، تکفیری و سلفی‌گری در منطقه بیشتر گسترش می‌یابد. از آغاز شکل‌گیری تنش در سوریه، گروه‌های متعددی موسوم به گروه‌های تروریستی - تکفیری با عناوین مختلف در بحران سوریه ایفای نقش نموده‌اند. ویژگی مشترک و غالب همه این گروه‌ها، بنیادگرایی، سلفی‌گری، جزمیت، تخریب مقابر و شعائر مذهبی، انجام جنایات وحشیانه برای تجاوز و کشتار مردم بی‌گناه در لوای اسلام است. یکی از مهم‌ترین اهداف این گروه‌ها، ایدئولوژیک نمودن و سیاسی جلوه دادن اسلام، با نام اسلام رادیکال و فرقه بازی‌های اسلامی است (Zarnachak, 2013: 66). اثرپذیری مطلق تحولات منطقه‌ای در خاورمیانه از عواملی نظیر مذهب، قومیت و اتحادهای بیرونی باعث شده تا این باور شکل گیرد که جمهوری اسلامی ایران هیچگاه متحدی استراتژیک و رسمی (چه در سطح منطقه و چه در سطح جهانی) نخواهد یافت. بر این اساس است که ایران چاره‌ای جزء توسل جستن به شیعیان جهان که به صورت پراکنده در برخی از کشورهای منطقه و به دور از صحنه قدرت سیاسی حضور دارند، ندارد (Adami, 2011: 157). از دیگر تهدیداتی که بحران سوریه پیش روی امنیت منطقه‌ای ایران به همراه خواهد داشت، بی‌ثباتی و ناامنی منطقه‌ای، در کنار تشدید تنش‌های فرقه‌ای و چالش‌های قومی - مذهبی است که به دنبال ظهور و قدرت‌یابی گروه‌های تکفیری و افراطی مانند القاعده و داعش یا سلفی‌ها امکان بروز یافته است. بهره‌گیری گروه‌های تکفیری افراطی از خلأ قدرت و ایجاد ناامنی و تداوم بی‌ثباتی در سطوح مختلف از جمله مسائل و ابعاد دوره گذار در سطح منطقه است که چالش‌هایی امنیتی را برای ایران نیز ایجاد می‌کند. یکی از اهداف مهم عربستان از مداخله در سوریه و تقویت و حمایت گسترده از جبهه مخالفان بشار اسد، ارائه الگوی نظم جانشین در منطقه با اندیشه سلفی‌گری است. امری که حاکی از تقابل ایدئولوژیکی است و به اقلیت علوی حاکم در مقابل اکثریت سنی برمی‌گردد. در واقع عربستان حامل این گفتمان میتواند بستر ساز ایجاد نوعی تنش مذهبی باشد (Karami, 2011: 152). که چالش‌های امنیتی مهمی را برای امنیت منطقه‌ای ایران در پی خواهد داشت.

۵- بالاگرفتن رقابت تسلیحاتی در منطقه: برهم خوردن توازن قوا و دگرگونی در نظم منطقه‌ای و بالا گرفتن تنش‌های قومی و مذهبی و تداوم سناریوهای ایران‌هراسی در منطقه، باعث خواهد شد تا مسابقه تسلیحاتی در منطقه به اوج خود برسد. همان گونه که تلاش‌های آمریکا و اتحادیه اروپا در استقرار موشک‌های پاتریوت (سامانه سپر موشکی) در مرزهای ترکیه و سوریه، دولت مردان روسیه را وا میدارد که سامانه موشکی اس ۳۰۰ را در اختیار دولت سوریه قرار دهند. تجهیز روزافزون کشورهای منطقه به سلاح‌های روز دنیا علاوه بر تشدید مشکلات

اقتصادی منطقه و بلعیدن بخش بزرگی از درآمدهای ملی، می‌تواند با توجه به افزایش تنش‌های منطقه‌ای و اختلافات قومی - قبیله‌ای و همچنین ازسرگیری ادعاهای سرزمینی میان برخی کشورهای منطقه که از تصنعی و استعماری بودن مرزهای سیاسی حاصل شده است، چشم انداز بی‌ثباتی و درگیری‌های نظامی در منطقه را برجسته و نزدیک می‌سازد. کشورهای خاورمیانه به دنبال سیر تحولات چند سال اخیر منطقه، کوشش نمودند با تعریف رویکردهای امنیتی مختلف، ظرفیت و توان خود را برای غلبه بر چالش‌های امنیتی افزایش دهند. اما این کوشش بسیار پرفراز و نشیب و همراه با هزینه‌های سنگین تسلیحاتی برای کشورها بوده است.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی تحقیق

پژوهش حاضر با اذعان به اینکه بحران سوریه تأثیرات تعیین کننده‌ای بر امنیت ملی و قدرت منطقه‌ای ایران در پی دارد، سعی نموده تا در باب این مسئله کنکاش کند. بنابراین تمام تلاش نوشتار حاضر، حول پاسخ‌دهی به چنین پرسشی صورت گرفته که بحران سوریه چه تأثیری بر امنیت منطقه‌ای ایران در پی خواهد داشت؟ برای بررسی چنین فرضی، این نوشتار از حیث مبانی نظری بر نظریات مکتب کپنهاگ و نظریه امنیت منطقه‌ای باری بوزان تمرکز نموده است. موقعیت ژئوپولیتیک سوریه در منطقه و اهمیت استراتژیک و راهبردی این کشور در معادلات بین‌المللی و سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ما را بر آن داشت تا در این نوشتار درصدد تحلیل و بررسی چالش‌هایی که تداوم بحران سوریه قلب ژئواستراتژیک محور مقاومت، می‌تواند فراروی امنیت و جایگاه منطقه‌ای ایران به دنبال داشته باشد، برآییم. بحرانی که امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را نیز مانند دیگر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی با چالش‌ها و تهدیداتی جدی مواجه نموده است. با توجه به اینکه سوریه تنها متحد راهبردی ایران میان کشورهای عربی است و با سیاست‌های غرب ستیز و ضدیت با رژیم صهیونیستی ایران، همسویی بالایی دارد، طبیعتاً مواجه شدن آن با هرگونه بحرانی بر امنیت و منافع ملی ایران نیز تأثیر مستقیم برجای خواهد گذاشت. به طوری که تضعیف جایگاه و قدرت متحد منطقه‌ای ایران، کاهش قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران را به دنبال خواهد داشت، یا ضربه زدن به این حلقه اصلی محور مقاومت، که در حمایت و تقویت گروه‌های مقاومت اسلامی نقش حیاتی دارد، در راستای تضعیف محور مقاومت در منطقه خواهد بود. روی هم رفته، یافته‌های این پژوهش بر این امر دلالت می‌کند که بحران سوریه، امنیت منطقه‌ای ایران را با تهدیداتی از جنس؛ تضعیف محور مقاومت، شکل‌گیری منازعات گفتمانی و تشدید تنش‌های فرقه‌ای و مذهبی، تأثیر بر جایگاه و نفوذ ایران، برهم زدن ساختار قدرت و موازنه قوا و بالا گرفتن رقابت تسلیحاتی در منطقه مواجه نموده است..

چالش‌ها و تهدیداتی که ذکر شد به طور بالقوه در محیط امنیتی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و با تشدید و تداوم یافتن بحران، هرکدام از این تهدیدات قابلیت این را دارد که در آینده نزدیک به بحران امنیت ملی کشور ایران تبدیل شوند. بنابراین منطق سیاست ورزی حکم می‌کند که دولت جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن چشم انداز این تهدیدات امنیتی در محیط امنیت منطقه‌ای خود، درجه‌ای از واقع‌گرایی را در تصمیم‌گیری سیاست خارجی منطقه‌ای خود اعمال نماید و اجازه ندهد بحران سوریه در ژئوپولیتیک درونی خویش به مسئله امنیت ملی تبدیل شود. بنابراین اجباراً به برخی راه‌حل‌های منطقه‌ای بایستی اعتماد نمود؛ زیرا در مجموعه‌های امنیتی ادراک مشترک امنیتی در میان بازیگران منطقه‌ای موجود است. در همین راستا مسئولان دستگاه دیپلماسی

کشور باید تلاش کنند از چشم انداز تهدیدهای حاصله از بحران سوریه پیشروی اکثر کشورهای منطقه، فرصتی برای همکاری بسازند.

ضمن آنکه سوریه کشوری است که جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب روابط پایداری با آن داشته و هر نوع تحولی در این کشور میتواند استراتژی سیاست خارجی ایران را متحول کند. بنابراین جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین بازیگران منطقه آسیای جنوب غربی بایستی به گونه‌ای در پسا بحران سوریه نقش آفرینی کند که علاوه بر بالا بردن وزن ژئوپولیتیکی خود در نظام بین‌الملل، منافع ملی خود را با توجه به سناریوهای مختلف تأمین نماید. در همین راستا، می‌توان پیشنهادهای ذیل را برای مدیریت پسا بحران سوریه از سوی جمهوری اسلامی ایران مطابق با منافع ملی و منطقه‌ای ارائه داد:

جمهوری اسلامی ایران بایستی ضمن مطالعه روندهای طی شده در بحران سوریه و همچنین وضعیت موجود در پسا بحران، سناریوهایی را برای اتخاذ الگوهای رفتاری مناسب با شرایط و وضعیت‌های مختلف در سوریه در نظر بگیرد. در صحنه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با به کارگیری دیپلماسی فعال منطقه‌ای در جهت خروج از حالت بازیگری تهدیدآمیز و در راستای افزایش حوزه‌های ظرفیت‌سازی در روابط و سیاست خارجی خود با دیگر قدرتهای منطقه که با آنها ارتباط و نزدیکی بیشتری دارد و به نوعی امنیت آنها نیز متأثر از این بحران سوریه بوده، مانند کشور ترکیه و عراق، وارد مذاکره شده و تعامل بیشتری با این بازیگران منطقه‌ای برقرار نماید.

تمام سناریوهای ممکن نیز باید مطابق با وضعیت میدانی پسا بحران، رویکردها و ملاحظات بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و روندهای سیاسی پیش رو از جمله مذاکرات میان قدرت‌های دخیل در پسا بحران سوریه را طراحی نماید. جمهوری اسلامی ایران ضمن اینکه میتواند از ابزارها و پایه‌های قدرت ملی خود در بعد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، موقعیت ژئوپولیتیک و ظرفیت‌های خود در حوزه انرژی و... در جهت متعادل کردن شرایط جدید منطقه و پایان دادن به بحران سوریه استفاده نماید، باید به این واقعیت مهم نیز توجه داشته باشد که دامنه نقش آفرینی در خارج از مرزهای ملی نیازمند هدایت و مدیریت مناسب بازی در کنار پذیرش نسبی نقش سایر بازیگران در روند موجود است؛ یعنی تلاش ایران در جهت تثبیت نفوذ منطقه‌ای خود باید با در نظر گرفتن شرایط منطقه‌ای و خواسته‌های سایر بازیگران صورت پذیرد.

جمهوری اسلامی ایران باید برای بدترین و بهترین وضعیت احتمالی در سوریه سناریوهای مشخصی داشته باشد تا بلکه بتواند منافع حداکثری یا مطلوب‌ترین منافع خود در بحران سوریه را تأمین کند. به همین جهت، ج.ا.ایران مطابق با واقعیت‌های موجود باید با بررسی‌های میدانی و همچنین شناخت سیاست‌ها و اقدامات بازیگران همسو و غیرهمسو با خود در سوریه، محاسبه و باز تعریف نماید.

در پایان میتوان گفت که موفقیت ایران در حفظ کردن نظام سیاسی سوریه فرصت مهمی برای افزایش قدرت و نقش منطقه‌ای ایران و آینده سیاست‌های این کشور بدست آورده است و بر ژئوپولیتیک خاورمیانه و شکل‌گیری ائتلاف‌ها و دسته‌بندی‌های جدید منطقه‌ای تأثیرات چشمگیری بر جای گذاشته است و برآیند آن ارتقای وزن کشور در معادلات و ترتیبات منطقه و چانه زنی در سطح فرامنطقه‌ای نیز بوده است.

References

- Abbasi, Majid and Mohammadi, Vahid (2014), The Realistic Explanation of the International Power Controversy in Syria, Iranian Journal of International Policy. First Year.NO. 2 [In Persian]
- Abdullah Khani, Ali (2004), Security Theories, An Introduction to the Design of the National Security Doctrine, the Contemporary Abrar International Institute for Cultural Studies and Research[In Persian]
- Adam Ali (2011), Bahrain's Crisis and Regional Security of the Islamic Republic of Iran, Strategic Quarterly, Twenty-first Year, No. 6[In Persian]
- Ajorloo, Hussein (2011), Syrian developments: Origins and perspectives, Middle East Studies Quarterly, eighteenth, third issue. [In Persian]
- Asseburg, Muriel & Wimmen, Heiko (2013). The civil war in Syria and the impotence of. International politics. In: Marc v. Boemcken et al. (ed.): Peace Report 2013, LIT-Verlag
- Barzegar, Kayhan (2007) Regionalism in Iran's Foreign Policy, Central Eurasia Studies (Special Conference on Regional Studies), Second Year, No. 5[In Persian]
- Barzegar, Kayhan (2011), Iran and developments in the Arab world, interests and values, Research Report, Tehran: Strategic Research Center of the Expediency Council[In Persian]
- Boozan, Barry (2010), Middle East and Arms Conflict, Tehran: International Center for Peace Studies.
- Boozan, Barri (2002), Middle East: A Contemporary Structure, Translated by Ahmad Sadeghi, Foreign Policy Quarterly, 16th Year, No. 3
- Boozan, Barry, Weaver, L, (2009), Regions and Powers: International Security Structure, Rehman Ghahramanpur Translation, Tehran: Strategic Studies Research Center
- Carmen-Cristina Cîrlig, "The international coalition to counter ISIL/Da'esh (the 'Islamic State')", European Parliamentary Research Service, 17 March 2015
- Dandadish, Parvin and Kozegar-Kaliji, Vali, (2010), A critical review of regional security suite theory using the South Caucasus security environment, Strategic Quarterly, Year 19, No. 56[In Persian]
- Dehghani Firoozabadi, Seyed Jalal and Farazi, Mahdi (2012), Islamic Awakening: Iranian and Western Considerations, Islamic Awakening and National Security of the Zionist regime, Tehran: Imam Sadiq University Press. [In Persian]
- Farahat, Tariq, (2015), 36 Dawlat al-Ful'lam Lam Tatefre Be'zrail. Boost Policy, System/:<https://www.sasapost.com/translation/these-36-countries-dont-recognize-israel>
- Gelbart, Jonathan. (2010). "The Iran-Syria Axis: A Critical Investigation". Stanford Journal of International Relations, Vol.12, No.1
- Guzansky, Yoel, (2011), "Saudi Activism in a Changing Middle East. Strategic Assessment Vol. 14, No. 3
- Griffiths.,Martin, Roach., Steven C. & Solomon, M.Scott, (2009), Fifty Key International Thinkers, 2 th, London and New York: Routledge
- Harriet, Sherwood, (2012), "Arab League Urges Joint UN-Arab Peacekeeping. Mission in Syria", The Guardian, February 12. (<http://www.guardian.co.uk/world/2012/feb/12/syria-arab-league-un-peacekeeping>) (Accessed on September 21
- Inbar, Ephraim (2012), "Israel's National Security Amidst Unrest in the Arab World", The Washington Quarterly. No 35
- Hafez Nia Mohammad Reza, (2006), The Impact of the Kurdish Autonomy of Northern Iraq on Neighboring Countries, Geographic Research, Volume 21, Issue 4[In Persian]
- Hafez Nia, Mohammad Reza (2010), Geopolitical Structure Theory of the Emerging World, Geopolitics Magazine, No. 19[In Persian]
- Jafari Valdani, Asghar and Seyyed Ali Nejat (2013), The Role of Regional Authorities in the Syrian Crisis, Middle East Studies Quarterly, Vol. 20, No. 4[In Persian]
- Karami, Kamran (2011), Arab Spring, and Saudi Arabia: Works and Reactions, Middle East Studies Quarterly, eighteenth day, issue 66[In Persian]
- Karami, Kamran (2013), Saudi Arabia and the Syrian crisis in the process of geopolitical and geocalctic competitions, Quarterly Journal of Fair Diplomacy, No. 8[In Persian].
- Niakuye, Seyyed Amir and Bahmanesh, Hossein, (2012), Disasters in the Syrian Crisis: Goals and Approaches, Foreign Relations Quarterly, Fourth Edition, No. 4[In Persian]

- Nosrati, Shahriar, (2012), The role of Muslim countries in the Mediterranean region in promoting the regional interests of the Islamic Republic of Iran (Lebanon case study), Master's Degree term, Islamic Azad University of Rasht[In Persian]
- Nerguizian, Aram, (2012), "U.S and Iranian Strategic Competition", CSIS, March, Bartell, Dawn. L & David. H. Gray. (2012). "Conflict in Syria and the Opportunity to
- pan, Esther, (2006), "Syria, Iran and the Mideast Conflict", Foreign. Relation, at: <http://www.cfr.org>.
- Reduce Iran's Regional Influence and Iran's Threat to the International Community" 21. Satloff, Robert (2012). Iran and Syria: Next Steps, Committee on Foreign Affairs. Hearin before the Committee on Foreign Affairs House of Representatives One Hundred. Twelfth Congress First Session Serial No. 112-45
- Salehi, Kourosh and Gholizadeh, Muharram; (2013), The Moon of History and Geography, No. 172[In Persian]
- Farzandi, Abbasali (2012), Strategic Importance of Syria to Iran, Payam Revolutionary Monthly, 62[In Persian]
- Sadeghi, Seyyed Shamsudin and Lotfi, Kamran (2016), Analysis of the positions of the Islamic Republic of Iran over the Syrian crisis, contemporary political questions. Period 6, NO. 15[In Persian]
- Sutherlin, John. W. (2013). "The Syria Dilemma: a U.S. Led Invasion or a U.N. Sponsored Resolution". Journal of International Humanities and Social Science, (13).
- Vaezi, Mahmoud and Davandish, Parvin (2011), The Necessity of Establishing Regional Security Arrangements in the Caucasus: New Approach, Journal of Central Asia and Caucasus Studies, No. 74[In Persian]
- Syrian , Iran , Geopolitical Consequences, Geopolitical Developments and Regional Security